



دی‌دگاه

شماره: ۲۰۵	موضوع: نظام مالیاتی پیشرفته راهکار اساسی تامین عدالت
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۰۳	
تهیه و تنظیم: علی دینی ترکمانی	
<p style="text-align: right;">توضیح اجمالی:</p> <p>سقف قراردادهای بازیکنان فوتبال این روزها به معضلی جدی در صنعت ورزش تبدیل شده است که البته مصداقی از موضوع کلی مربوط به ضعیف نظام مالیاتی است. بنابراین این مطلب با نگاهی بر این مصداق در اصل به دنبال آسیب شناسی نظام مالیاتی کشور است. درآمد بازیکنان فوتبال مشمول فعالیت های فرهنگی با حداقل مالیات (۵ تا ۱۰ درصد) می شود. از سوی دیگر، برای جلوگیری از افزایش بی رویه دستمزد سالیانه بازیکنان، سقف قرار دادی اعمال می شود که هم موجب رنجش بازیکنان می شود و هم عملاً باشگاه ها با نادیده گرفتن آن مرتکب نقض قوانین می شوند. اگر نظام مالیاتی اصلاح شود به راحتی می توان این مسایل را حل و فصل کرد.</p>	
<p style="text-align: right;">نکات کلیدی:</p> <ol style="list-style-type: none"> میزان مالیات بردرآمد ورزشکاران به ویژه فوتبالیست ها دال بر این است که نظام مالیاتی به روز نیست. یعنی اگر زمانی که ورزش حرفه ای نبود و معافیت از مالیات یا مالیاتی به میزان ۵ تا ۱۰ درصد توجیهی داشت، امروزه که به صورت حرفه ای درآمده و درآمدهای بازیکنان بسیار بالاتر از مشاغل دیگر است، چنین میزان مالیاتی توجیه منطقی ندارد. نمونه دیگر از به روز نبود قوانین مالیاتی با شرایط روز، معافیت مالیاتی بخش کشاورزی است. با توجه به وجود کشاورزی بزرگ مقیاس با درآمد های قابل توجه چنین معافیتی توجیه ندارد. در صورت تندتر شدن شیب تصاعدی مالیات بر درآمد، می توان سقف قرار داد در فعالیت هایی چون ورزش فوتبال را کنار گذاشت و بخش قابل توجهی از آنچه بازیکنان کسب می کنند را به عنوان مالیات به خزانه دولت واریز کرد. حسن چنین راهکاری در این است که هم موجب افزایش میزان رضایت بازیکنان می شود چرا که بیشتر به دنبال جنبه پرستیژی مساله هس نند تا خود درآمد؛ هم با شفاف سازی بیشتر مانع از گرایش باشگاه ها و بازیکنان به درگیر شدن با پرداخت های غیر قانونی می شود و هم موجب افزایش رضایت خاطر اجتماعی از عادلانه تر شدن پرداخت های مالیاتی. در همین راستا معافیت مالیاتی بنگاه های تحت پوشش بنیاد مستضعفان و همینطور بخش کشاورزی با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و کاهش کسری بودجه باید حذف شود. این معافیت ها پیشتر از این توجیه داشت چرا که بنگاه های مذکور و بخش کشاورزی نیاز به حمایت داشتند. اما در مقطع کنونی که گردش سرمایه در هر دو بخش قابل توجه و چنین سیاستی در عرصه صنعتی موجب رقابت نابرابر و در عرصه کشاورزی موجب توزیع نابرابر درآمدی میان خرده مالکان و بزرگ مالکن می شود توجیه اقتصادی ندارد. در مجموع این موارد دال بر این هستند که نظام مالیاتی باید مانند نظام مالیاتی اقتصادهایی چون کانادا پیشرفته شود. به این معنا که افراد و شرکت ها ناچار از پرداخت سهم بیشتری از درآمد حاصله شان به صورت مالیات شوند. 	
تأیید رئیس موسسه:	تأیید رئیس گروه مشاوران: